



گفت و گو با کیمیا موسوی شهری
خردسال فعال حقوق کودکان

بچه‌ها متعلق به هیچکس حتی پدر و مادرشان نیستند

وقتی با او رو به رو شدم باورم نمی‌شد او کودکی خردسال است که در دبستان تحصیل می‌کند. اما ساعاتی بعد به خود می‌بالیدم که ایران زمین چنین فرزندی دارد. دختری با خلاقیت و هوش بالا که سخنانش حکایت از تفاوت او با سایر همسالانش دارد. با ما از حقوق کودکان سخن گفت و اینکه آینده از آن کودکان خلاق است. کیمیا معتقد است اگر کودکان را به رسمیت بشناسیم و همراهشان باشیم دنیای بهتری را تجربه خواهیم کرد. با این حقوقدان کوچک گفت و گویی انجام داده‌ایم که در زیر می‌خوانید. (قابل ذکر است که این مصاحبه به زبان محاوره‌ای انجام شده و برای چاپ به زبان نوشتاری تبدیل گردیده است)

شعرهای خوبی نوشته است و دیگری سعدی در کتابهای گلستان و بوستان مطالب خوبی دارد. سعدی در گلستان داستان تلخی را تعریف می‌کند: یک پادشاهی بیماری سختی پیدا کرد. همه دانشمندان و پزشکان هر چه تلاش کردند نتوانستند آن را مداوا کنند، در آخر عده‌ای گفتند اگر پادشاه زهره یک آدم به خصوص پسر بچه را بخورد خوب می‌شود، همه پزشکان و عالمان به خاطر سلامتی پادشاه مجوز قتل دادند. قاضی شهر هم حکم به گرفتن و کشتن یک پسر بچه را صادر کرد. مأمورین پادشاه رفتند در یک روستا و پسر بچه‌ای را با خصوصیتی که پزشکان گفته بودند پیدا کردند و مقداری طلا و جواهر به پدر و مادر بچه دادند و آنها را راضی کردند که بچه خودشان را به آنها بدهند تا آن را کشته و پادشاه زهره‌اش را بخورد و خوب بشود. بچه را پیش پادشاه آوردند و وقتی می‌خواستند او را بکشند پسر بچه به آسمان نگاه کرد و خنده تلخی کرد، پادشاه گفت ما تو را می‌خواهیم بکشیم چرا می‌خندی و به آسمان نگاه می‌کنی؟ بچه گفت: ناز بچه‌ها به پدر و مادرشان است ولی پدر و مادر من حاضر شدند من را به خاطر مقداری

زیرا زندگانی نه به عقب بر می‌گردد و نه در گذشته توقف می‌کند.

کیمیا خانم این شعر زیبا چه ربطی به حقوق کودکان دارد؟

– برای اینکه بعضی از پدر و مادرها فرزندان خودشان را آزار می‌دهند یا حتی می‌کشند یا اینکه اصلاً به آنها آزادی فکر و بیان و عقیده نمی‌دهند و می‌خواهند نظر و فکر خودشان را به آنها تحمیل کنند چرا؟ چون که فکر می‌کنند آنها مالکشان هستند و هر تصمیمی در موردشان می‌توانند بگیرند.

جبران خلیل جبران به ما می‌گوید که بچه‌ها متعلق به هیچکس حتی پدر و مادرشان نیستند. این شعر جبران خلیل جبران هم مربوط به حق زندگی کودکان است و هم حق آزادی تفکر و بیان و هم آزادی دسترسی به اطلاعات.

حالا تو یک شعر زیبا از یک نویسنده و شاعر خارجی خواندی، می‌توانی یک شعر هم از شاعران و نویسندگان ایران در مورد حقوق کودکان بیان کنی؟

– در بین شاعران ایرانی تا آنجا که من اطلاع دارم یکی پروین اعتصامی در مورد کودکان یتیم

اول از همه خودت را معرفی کن و اگر حرفی برای شروع داری بگو؟

من سیده کیمیا موسوی شهری کلاس سوم دبستان و هشت سال و نیمه هستم.

من می‌خواهم با یک شعری از جبران خلیل جبران، شاعر لبنانی در مورد کودکان شروع کنم که می‌گوید:

فرزندان شما فرزندان شما نیستند، آنها پسران و دختران اشتیاق زندگی به خویشند،

آنها از طریق شما به وجود می‌آیند اما منشأ آنها شما نیستید،

گرچه با شما ایند اما از آن شما نیستند می‌توانید عشق خویش را به آنها بدهید اما اندیشه‌هایتان را هرگز،

زیرا آنها اندیشه‌های خاص خود را دارند، جسم آنها را پناه می‌توانید بدهید اما روحشان را هرگز،

زیرا روح آنها در خانه فردا شکل می‌گیرد که شما توان دیدار آن را ندارید،

می‌توانید تلاش کنید که مانند آنان شوید اما در پس آن نباشید که آنها را مانند خویش نمایید،

من بر آنم درین دنیا خوب بودن - به خدا - سهل‌ترین کار است و نمی‌دانم که چرا انسان، تا این حد با خوبی بیگانه است و همین درد مرا سخت می‌آزارد.

- در قرآن کریم و احادیث و روایات در مورد حقوق کودکان چه نکاتی وجود دارد؟

- خداوند در مورد حق حیات تمام انسانها (بچه یا بزرگسال) می‌فرماید هر کس دیگری را بی‌جهت بکشد مانند این است که همه انسانها را کشته است و اگر جان کسی را احیاء کند مثل این است که همه انسانها را احیاء و زنده کرده است. (سوره مائده - آیه ۳۲) این آیه بسیار پر معناست. و اگر انسانها می‌دانستند که جان هر انسان پیش خداوند به اندازه جان همه انسان‌های روی کره زمین احترام دارد، آن وقت به جنایت و قتل و خونریزی دست نمی‌زدند.

همچنین خداوند در مورد قتل کودکان به خصوص دخترها می‌فرماید: که کودکان را به خاطر ترس از فقر نکشید زیرا ما روزی آنها را می‌دهیم.

اما در روایات از ائمه (ع) در خصوص رعایت عدالت و تساوی و جلوگیری از تبعیض بین کودکان و محبت و بوسیدن آنها و اعتدال در تشویق، وفای به عهد با کودکان، احترام به کودکان و به نیکویی صدا کردن آنها، بازی با کودکان و جلوگیری از تنبیه بدنی کودکان مطالب بسیار خوبی مطرح شده است.

- می‌توانی چند تا را توضیح بدهی؟

- مثلاً پیامبر اکرم در مورد رعایت عدالت و جلوگیری از تبعیض بین کودکان می‌فرماید: هر کس مسئول آموزش سه کودک از کودکان شود و آنان را به صورت یکسان آموزش ندهد و میان فقرا و ثروتمندان تفاوت بگذارد، خدای بزرگ در روز قیامت او را با خائنان محشور می‌کند.

یا مثلاً: پیامبر در مورد محبت و وفای به عهد در مورد کودکان می‌فرماید: کودکان خود را دوست بدارید و به وعده‌ای که به آنها داده‌اید وفا کنید، خداوند بر هیچ چیزی خشم نمی‌گیرد آن چنانکه به خاطر زنان و کودکان خشم می‌گیرد.

● جبران خلیل جبران به ما می‌گوید که بچه‌ها متعلق به هیچکس حتی پدر و مادرشان نیستند ●



روزگاره علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال هجدهم / شماره ۲۱۳ / آبان ماه ۸۸

طلا و جواهر بفروشند، پادشاه هم که بایستی مراقب مردم و رعیت خودش باشد و به سلامتی آنها اهمیت بدهد می‌خواهد به خاطر حفظ جان خودش مرا بکشد، دانشمندان و پزشکان که بایستی به سلامتی همه مردم توجه کنند به خاطر مصلحت و جان پادشاه حاضر شدند من کشته شوم و از همه مهمتر قاضی که بایستی عدالت را رعایت کند و جان و مال همه مردم نزد وی برابر باشد حاضر شده حکم به قتل من بدهد. می‌بینید که من بی‌پناهم و تنها یاور من خداست و به همین خاطر به آسمان نگاه کردم.

البته پادشاه با این صحبت بچه دلش به رحم می‌آید و از جان او می‌گذرد ولی این داستان نشان می‌دهد که سعدی خرید و فروش بچه را منع می‌کند و می‌گوید جان هیچکس حتی پادشاه از جان مردم و رعیتش مهمتر نیست. جان همه انسانها عزیز و شیرین است و ما حق نداریم حق زندگی کردن هیچ انسانی را به خاطر جان فردی دیگر به خطر بیندازیم. همچنین ما از این داستان می‌فهمیم که دولت در مقابل کودکان مسئول است. دانشمندان در مقابل حقوق انسانها مسئولند. قضات در مقابل حقوق مردم و کودکان مسئولند. به همین خاطر خداوند در قرآن کریم می‌فرماید «کلکم راع و کلکم مسؤول» یعنی همه در مقابل یکدیگر مسوول هستند.

هیچکس نمی‌تواند در خصوص از بین رفتن حقوق انسانها به خصوص حقوق کودکان بی‌پناه هستند بی‌تفاوت باشد.

در کتاب بوستان سعدی نیز شعر جالبی هست که می‌گوید:

فرو کوفت پیری پسر را به چوب
بگفت ای پدر بی‌گناهم مکوب
توان بر تو از جور مردم گریست

ولی چون تو جورم کنی چاره چیست؟

واقعا اگر پدر و مادر بچه‌هاشان را اذیت و آزار بدهند، انسان بایستی به چه کسی پناه ببرد!!!

تو به عنوان یک کودک در روز جهانی

همچنین می‌فرماید: هر کس که به کودکان مهربانی نکند از ما نیست. و باز می‌فرماید: هر گاه فرزندان خود را نام می‌برید با احترام از آنها یاد کنید و در نشست‌ها جایی برای کودکان خود باز کنید و با آنها تشر و نباشید.

منظورت از احترام گذاشتن به کودکان چیست؟

ببینید پیامبر اسلام خیلی وقتها به کودکان جلوتر از آنها سلام می‌کردند و به احترام آنها از جایشان بلند می‌شدند و برای آنها پیش خودشان جا باز می‌کردند تا آنها راحت بنشینند تا احساس شخصیت و اهمیت بکنند. همچنین بزرگترها وقتی به کودکانشان اجازه حرف زدن می‌دهند و داخل حرف آنها نمی‌پرند یا وقتی آنها را صدا می‌زنند با زیبایی و قشنگی و با کلمات خوب آنها را صدا می‌کنند در واقع به آنها احترام می‌گذارند.

وقتی به کودک بی‌احترامی بکنیم چه اتفاقی می‌افتد؟

وقتی به کودک احترام نگذاریم یا بی‌احترامی کنیم، کودک احساس حقارت و پستی و بی‌ارزشی در دنیا می‌کند. این چنین کودکی وقتی بزرگ شد آدم خطرناکی می‌شود. ممکن است حتی خودکشی بکند یا اینکه چون شخصیتش خرد شده برای بقیه انسانها خطرناک باشد. به همین خاطر امام باقر(ع) می‌فرماید: هر کس خودش را پست و کوچک بداند خودتان را از شر او در امان ندانید.

به نظر تو محبت به کودک حد و اندازه هم دارد؟ یا اینکه باید در همه حال به کودک محبت کرد؟

ببینید هر چیزی حد و اندازه دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: در رفتار میان من و تو باش. این دستور اخلاقی خداوند مربوط به همه چیز و همه کس می‌شود.

اگر پدران و مادران به کودکان خود بیش از اندازه یا گاهی بی‌مورد محبت کنند آنها لوس و از خود راضی می‌شوند و در بزرگسالی هم توان مقابله با مشکلات را نخواهند داشت. وقتی آنها بزرگ می‌شوند و دنبال زندگی خودشان می‌روند، چون دیگران به اندازه پدر و مادر به آنها احترام نمی‌گذارند آنها هم سر خورده می‌شوند و احساس حقارت می‌کنند. به همین خاطر امام باقر(ع) می‌فرماید: بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی و محبت نسبت به فرزندان از حد تجاوز و زیاده روی کنند.

بگفت ای پدر بی‌گناهم مکوب توان بر تو از جور مردم گریست ولی چون تو جورم کنی چاره چیست؟

نظرت در مورد تنبیه کودکان چیست؟

من تنبیه بدنی برای بچه‌ها را کلاً درست نمی‌دانم. اما گاهی اوقات تنبیه (نه تنبیه بدنی) برای بچه‌ها لازم است. مثلاً اگر یک بچه‌ای خیلی اذیت کند، او را به سینما یا پارک ببریم یا یک خوراکی که او دوست دارد برایش نخریم. این اشکالی ندارد ولی تنبیه بدنی اصلاً خوب نیست. تنبیه هم برای تنبیه کننده ضرر دارد و هم برای تنبیه شونده.

تنبیه برای تنبیه کننده چه اثری دارد؟

ببینید آدم وقتی می‌خواهد کسی را تنبیه کند اول خودش عصبانی می‌شود، در حالت عصبانیت فشار زیادی روی اعصاب و جسم او مثل قلب وارد می‌شود و احتمال سکته قلبی یا مغزی یا کوتاهی عمر وجود دارد. آدم وقتی عصبانی می‌شود بد شکل و زشت رو و ترسناک می‌شود و چهره‌اش مثل حیوانات وحشی می‌شود. آدم وقتی عصبانی می‌شود حرفهای زشت می‌زند و کارهای خطرناکی ممکن است انجام بدهد که برای همیشه پشیمان بشود.

تنبیه کودک برای کودک چه اثری دارد؟

وقتی کودک تنبیه می‌شود احساس تنفر از تنبیه کننده یا آن چیزی که به خاطرش تنبیه شده می‌کند مثلاً اگر کودک به خاطر درس تنبیه شده، دیگر از آن درس بدش می‌آید. تنبیه به خصوص تنبیه بدنی موجب می‌شود که کودک احساس بی‌شخصیتی و حقارت بکند و همین از او انسان خطرناکی در بزرگسالی می‌سازد که نمی‌شود از شر او در امان بود.

همچنین کودکان به خاطر اینکه دیگر تنبیه نشوند، مخفی کاری می‌کنند و دروغگو و فریب کار می‌شوند.

از کنوانسیون حقوق کودک چه می‌دانی؟

کنوانسیون حقوق کودک که توسط سازمان ملل برای همه کشورها و دولت‌ها تصویب شده، خیلی خوب است. امیدوارم همه کشورها و دولت‌ها آن را رعایت کنند.

در کنوانسیون حقوق کودک چه حقوقی در

مورد کودکان مطرح شده است؟

اینکه با کودکان بایستی با تساوی بر خورد بشود و تبعیض بین آنها از هر جهت (مثل نژاد - رنگ پوست - مذهب - زبان - عقیده و ملیت - دارایی و زن و مرد بودن یا اقامتگاهشان یا پست و مقام و میزان دارایی پدر و مادرشان) ممنوع است. دیگر اینکه

حق حیات و زندگی کودک بایستی از هر جهت حفظ شود و هر گونه آزار جسمی، روحی و روانی و عاطفی نسبت به کودک ممنوع است و همچنین کودک حق داشتن هویت دارد. منظور از هویت یعنی اینکه کودک نام و نام خانوادگی و کشوری که در آن متولد شده و کشوری که در آن اقامت دارد را بداند و پدر و مادرش را بشناسد و آواره و سرگردان نباشد. همین‌طور کودک حق زیستن با والدین خودش را دارد و هیچ کس نبایستی کودک را از پدر و مادرش بدون رعایت مصلحت کودک جدا کند. به همین خاطر هر جا که پدر و مادر زندگی می‌کنند کودک هم می‌تواند با آنها زندگی کند (مگر اینکه به مصلحت کودک نباشد).

منظورت از مصلحت کودک چیست؟

مثلاً اگر پدر و مادر معتادند یا مریض روانی هستند یا اینکه در زندان باشند می‌شود کودک را از پدر و مادر جدا کرد و به آدمهای خوب و مطمئن سپرد و یا به دولت و بهزیستی تحویل داد تا از آنها به خوبی مراقبت بشود.

خوب در مورد کنوانسیون حقوق کودک

صحبت می‌کردی می‌شود ادامه بدهی؟

خرید و فروش کودک و قاچاق آنها کلاً ممنوع است و حتی خارج کردن کودکان از کشور بدون مصلحت و موافقت پدر و مادرشان بایستی ممنوع بشود.

کودک می‌تواند عقیده یا فکری داشته باشد و می‌تواند آن عقیده و فکرش را بیان کند. البته می‌دانیم که آدم وقتی دارای عقیده و فکر می‌شود که اول دسترسی به اطلاعات داشته باشد و بتواند از طریق کتاب و مجله و روزنامه یا اینترنت و رادیو و تلویزیون و مدرسه اطلاعاتی را کسب کند، پس اول بایستی حق دسترسی به اطلاعات داشته باشد، وقتی به اطلاعات دسترسی داشتید صاحب فکر و عقیده می‌شوید، وقتی که صاحب فکر و عقیده شدید، بایستی بتوانید عقیده و فکر خودتان را مطرح و بیان کنید پس بعداً آزادی بیان و عقیده پیش می‌آید.

کودکان باید بتوانند دور هم جمع بشوند و برای

کارها و فکرشان با هم حرف بزنند و از کارها و فکرهای هم سن و سالهاشان آگاه بشوند و شاید هم بتوانند با هم سن و سالهاشان یک تصمیم مشترک و خوب و مناسب بگیرند و یک هدف خوبی را دنبال کنند. به همین خاطر بچه‌ها حق دارند که گروه یا اجتماعی را تشکیل بدهند و یک هدف خوب و عالی را دنبال کنند. مثلاً برای فقرا پول جمع کنند یا برای نظافت فضای سبز یا محیط زیست محله خودشان به صورت گروهی کاری مهم انجام بدهند. دیگه اینکه کودکان حق بازی دارند - کودک وقتی بازی می‌کند از نظر جسمی رشد می‌کند و بدنش و استخوانهایش قوی می‌شود - از لحاظ روحی و روانی و عاطفی کودک شاد و خرم می‌شود و اعتماد به نفس کودک بالا می‌رود - شخصیتش رشد می‌کند - کودک در زمان بازی روشهای زندگی گروهی را یاد می‌گیرد و می‌فهمد که گاهی ممکن است پیروز بشود و یا شکست داشته باشد و از همه مهمتر انضباط را یاد می‌گیرد و هوش و خلاقیت کودک زیاد می‌شود.

نظرت در مورد تحصیل و کار کودکان چیست؟

کودک حق تحصیل دارد. یادمان باشد که مهمترین کار کودک تحصیل و بازی است، هیچ کس حق ندارد کودک را از تحصیل و علم باز دارد، پیامبر اسلام همیشه از خدا می‌خواستند که علمشان را زیاد کند پس باید مراقب تحصیل بچه‌ها باشیم و کودک نیابتی در هیچ شرایطی مجبور به ترک تحصیل و کار کردن نباشد، چون به جسم کودک لطمه می‌زند.

در این مورد کوانسیون حقوق کودک چه می‌گوید؟

کودکان باید از لحاظ بهداشتی تأمین باشند و به کودکان معلول کمک کنیم، در آخر اینکه روحیه صلح جویی و دوری از خشونت را باید بزرگترها در بچه‌ها تقویت کنند تا وقتی که بزرگ شدند پرخاشگر نباشند و با همه انسانها دوست باشند.

من شنیدم که تو دو نامه برای رؤسای جمهوری آمریکا و فرانسه فرستادی موضوع این نامه‌ها چه بود؟

من در زمان آقای بوش، یک نامه نوشتم و از ایشان خواستم مدام از جنگ صحبت نکنند و پولی را که می‌خواهند برای جنگ هزینه کنند

هیچکس نمی‌تواند در خصوص از بین رفتن حقوق انسانها به خصوص حقوق کودکان که بی‌پناه هستند بی‌تفاوت باشد.



برای صلح و دوستی بین انسانها مصرف کنند، برای آقای سارکوزی رییس جمهور فرانسه هم همین نامه را نوشتم.

دوست داری متن این نامه‌ها را بعداً منتشر کنی؟

بله، اگر شما بخواهید من در اختیار شما و مجله قرار می‌دهم.

تو از چه سنی با حقوق کودک آشنا شدی و آیا مصاحبه دیگری داشتی؟

- بله، پدر من حقوقدان و وکیل دادگستری است به همین خاطر از پنج سالگی مرا با حقوق کودکان و مشکلات آنها آشنا کرد. چند بار همراه پدرم به یونیسف در ایران و همچنین انجمن حمایت از حقوق کودکان رفتم و با مشکلات کودکان آشنا شدم.

تاحالاً سه بار مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه‌های همشهری و همشهری محله منطقه ۳ و مجله ۷ روز زندگی داشتیم و در شش سالگی نیز در روز جهانی حقوق کودک رادیو فرهنگ با من مصاحبه

رادیویی داشت که پخش شد. می‌توانیم تو را به عنوان خردسال‌ترین حقوقدان دنیا بشناسیم؟

نمی‌دانم. ولی دانستن حقوق مهم نیست، مهم این است که از دانسته‌هایت خوب استفاده کنی و برای کودکان و افراد آسیب‌پذیر جامعه احساس مسئولیت کنی و بی‌تفاوت نباشی.

من شنیدم که فیلم مستندی هم در مورد تو ساخته شده این درست است؟ اسم و موضوع فیلم چه بود؟

بله، سرکار خانم مریم پیربند زحمت کشیدند یک فیلم مستند در مورد من با نام «زمزمه کیمیا» ساختند که این فیلم به جشنواره فیلم رشد نیز ارایه شد. موضوع این فیلم حقوق کودک است، این فیلم ضد جنگ است و روشن می‌کند که هیچ چیز به اندازه جنگ به انسانها مخصوصاً کودکان آسیب نمی‌زند و در همان فیلم هم از تمام ابر قدرتها و انسانها خواستم که صلح و دوستی بین آدمها را گسترش بدهند و از جنگ دوری کنند.

شنیدم که کلاس بازیگری می‌روی و قرار است در چند فیلم و سریال بازی کنی.

بله من الان در آموزشگاه بازیگری چاپلین کلاس بازیگری می‌روم که مربی من خانم قاسمی است و خیلی مهربان هستند و خیلی به کارشان واردند. اگر خدا بخواهد شاید در دو سریال تلویزیونی یکی به کارگردانی آقای قاسمی و دیگری به کارگردانی آقای موفق بازی کنم - صحبت یک فیلم سینمایی هم هست که هنوز قطعی نشده.

در آخر چه توصیه‌ای برای دولت‌ها داری؟

گسترش صلح و دوستی و دوری از جنگ و خونریزی.

وقتی که در لبنان بر اثر بمباران مدرسه‌ای، ۴۵۰ کودک کشته شدند فریدون مشیری شعری با نام «با تمام اشکهایم» سرود که چند بیتش را می‌خوانم:

شرم‌تان باد ای خداوندان قدرت، بس کنید،

بس کنید از این همه ظلم و قساوت، بس کنید،

بس کنید، فکر مادرهای دلوا پس کنید، رحم بر این غنچه‌های نازک نارس کنید.